

خواهد گردید شاید شرط مدت گاهی مفید واقع شود چون در لایحه قانون جدید حکم آثار شرائط بطور کلی بیان شده و ناظر بانواع جرائم است ذکر آن در مورد خلاف واسطه برای جلب توجه و انتباه اذهان خواهد بود تا لدی الاقتضا اشتباهی دست ندهد

ملاحظه مقررات قانون فعلی و مقایسه آن بالانچه قانون جدید مفهم این معنی است که اگر قطع مرور زمان مسقط کیفر در مورد خلاف اختصاصاً پیش بینی نشده عموماً مشمول حکم کلی است که در مورد قطع مرور زمان مسقط کیفر بنحو عام در قانون جدید مصرح می باشد و این نکته قابل دقت است که در قانون فعلی برای قطع مرور زمان مسقط کیفر ولو باجمال هم ذکر نیست و قانونگذاران فقط باین اندازه اکتفا کرده اند که اگر دادنامه غیر مجری بماند کیفر خلاف بعد از دو سال مهلت قانونی ساقط میشود بدین جهت اگر پس از صدور دادنامه محکوم علیه فرار مینمورد و بعد قبل از حلول مدت در سال دستگیر میشد مطابق اصول کلی حقوقی و قضائی مجازات رادر باره اش اجرامی کردند بدون آنکه قانون در این خصوص صریحاً دستوری داده باشد

مطابق مقررات لایحه جدید کیفر همگانی قانون اصراحت لهجه می گوید « و اگر اجرای مجازات پیش از بکنوبت قطع شود مدت مرور زمان از تاریخ آخرین قطع شروع میشود » با این وصف دیگر تردیدی نیست که اگر محکوم علیه فراری قبل از مدت دو سال دستگیر شود اجرای حکم در باره اش لازم و ضروری است و هر گاه باز هم از زندان فرار نماید با تاریخ اجرای کیفر مدت

مرور زمان از نو شروع میشود. البته این قبیل پیش آمدها و اقدامات در مورد کیفر خلاف بطور سهل و ساده صورت پذیر نخواهد بود زیرا در زمانیکه دادنامه لازم الاجرا است اگر کیفر ببازداشت خلاف کار اجرا گردد مدت قلیل است و بیش از يك هفته حبس تکدیبری در مورد مهمترین موضوع خلافی طول نخواهد کشید بنا بر این با آنکه کمی مدت محکومیت خود موجب امیدواری برای استخلاص ورهائی محکوم علیه است در ضمن اجرای کیفر قطعاً مشخص زندانی بخيال فرار نمی افتد و از این راه تجدید آغاز مرور زمان پیش بینی نمیشود پس مرور زمان مسقط کیفر در امر خلاف بزمانی مربوط است که دادنامه صادر شود و بجهتی از جهات مانند فرار خلاف کار و یا عمل دیگر آنهم باختیار محکوم علیه اجرای کیفر بتعویق افتد مرور زمان فعلاً از تاریخ صدور دادنامه و بعداً مطابق قانون لایحه جدید از تاریخ قطعی شدن حکم شروع خواهد شد و وسیله قطع آن فقط اجرای کیفر است که مطابق قانون فعلی حدوث آن بیشتر بتصور نزدیک میباشد

رویه مرفته در مورد کیفرهای خلافی مرور زمان مسقط بحدت واقع شده و کمتر ایجاد اثر مینماید یا بفرض وقوع قطع آن سهل و آسان است مگر آنکه خلاف کار برای تمام مدت دو سال متواری و مجهول المکان باشد در باب قطع مرور زمان مسقط کیفر در جنبه ها و جنایات بعداً بتوضیحات لازمه مبادرت خواهد شد حسینقلی . عدالت پور

## مسئولیت شخص راجع بعمل خود

( قانون مدنی فرانسه )

حال بر این فرمول ساده دو تبصره اضافه میکنیم :  
۱ - شخصی که بسبب تقصیر او خسارت وارد

گفتیم موقعی که بسبب تقصیر خود شخصی خسارتی بدیگری وارد سازد مسئول جبران آن خسارت است

آمده لازم است قانون او را مسئول اعمال خود شناخته باشند در مورد معین بتوان او را محکوم به جبران خسارت کرد.

۲ - شخص فقط بسبب عمل خود مسئول واقع نمیشود گاهی بسبب عمل دیگران و یا اشیاء و دام هائی که در اختیار او هستند نیز مسئول قرار میگیرد.

از این دو قسمت شق اول دامنه مسئولیت مدنی را توضیح میکند زیرا اشخاصی را از جبران خسارت معاف میدارد مانند صغیر و دیوانه شق دوم بعکس دامنه مسئولیت مدنی را توسعه میدهد زیرا شخص را نه تنها مسئول عمل خود بلکه مسئول عمل اشخاصی که در تحت حمایت و یا نگهداری او هستند و یا اشیاء و دام هائی که در اختیار او میباشند نیز قرار میدهد.

#### اشخاصی مسئول

کسانی را قانون مسئول شناخته که دارای هوش و اراده کافی در ارتکاب عمل باشند بطور کلی صغیر و دیوانه را چه از لحاظ کیفری و چه از لحاظ مدنی نمی توان مسئول کرده های خود قرارداد زیرا فاقد اراده کافی برای جلوگیری نفس خود از خطا کاری میباشند از قدیم رویه قضائی فوق در کشور فرانسه رایج و علمای حقوق از قبیل پتیه (Pothier) نیز بر این عقیده بوده اند.

باعقاید جدید مسئولیت نوعی در قوانین اجتماعی راجع بحوادث کار که صاحب کارخانه را بدون ثبوت تقصیر مجبور به جبران خسارات وارده به کارگر ساخته اند بعضی ذهن ها متوجه قبول مسئولیت مدنی طفل و دیوانه شده است قوانین بعضی کشورها نیز مسئولیت مدنی طفل و دیوانه را پذیرفته اند ولی بطور استثناء نه بطور کلی وبخصوص در مواردیکه حافظ و اولیای آنها را نتوان مسئول خسارت قرارداد - در این صورت میزان مسئولیت متناسب با خسارات وارده نبوده بلکه مطابق توانائی مالی

شخص مسئول تعیین میگردد بطوریکه در نتیجه محکومیت خواننده فاقد هستی و وسیله تامین معاش خود نشود دلیل مسئول شناختن طفل و دیوانه تقصیر کاری او نیست بلکه بیشتر حمایت آسیب دیده و جبران خسارات وارده باو میباشد و فکر حمایت آسیب دیده باعث قبول مسئولیت مدنی (بطور استثناء) در مورد اطفال دیوانگان شده است

#### مسئولیت مدنی صغیر

برای صغاری که فکرشان بقدر کافی رشد دارد بطوریکه میتوانند نتایج و عواقب عمل خو را تشخیص دهند میتوان بسهولت قائل بوجود مسئولیت مدنی گردید. قانون مدنی فرانسه مانند قانون کیفر سنی برای مسئولیت طفل تعیین ننموده بطوریکه پائین تر از آن سن مسئول نباشد چنانکه طفل ۱۳ ساله که جزاء غیر مسئول است از لحاظ مدنی ممکن است مسئول واقع شود همچنین طفل ۱۸ ساله که بعات نداشتن قوه تشخیص کافی از لحاظ کیفری تبرئه شود از لحاظ مدنی ممکن است محکوم گردد

موقعی که دادستان اطفال صغیری را که عاقبت عمل خود را بطور کامل نمیتوانند درک کنند از لحاظ مدنی محکوم به جبران خسارت ساخته اند معلوم است که تحت تأثیر فکر مسئولیت نوعی واصل خطر واقع شده اند ولی اصل کلی عدم مسئولیت (بعلمت عدم تقصیر اطفال) بجای خود باقی میباشد

#### مسئولیت مدنی دیوانگان

همچنانکه از نظر کیفری دیوانه غیر مسئول است از لحاظ مدنی نیز نمیتواند نسبت بعملی که در حال جنون از او سرزده مسئول واقع گردد لیکن جنون مرتکب در لحظه وقوع تقصیر باید به ثبوت برسد اگر چه در آن موقع شخص در تیمارستان اقامت داشته و یا محجور باشد جنونی که بعد از عمل حادث شده و در زمان تعقیب نیز دوام داشته باشد رافع مسئولیت نیست

همچنین در صورتیکه شخص بگذارد دیگری او را مست سازد و پس از مستی مرتکب تقصیری گردد باز از لحاظ مدنی مسئول شناخته شده است .

### مسئولیت نگهبان

#### اشخاصی غیر بالغ و غیر رشید

محافظت و نگهبانی صغیر و دیوانه عادتاً بر عهده اولیای آنان و یا بر عهده شخصی است که انجام این کار را قبول نموده و یا شخصی که شغل او متضمن چنین مسئولیتی است مانند مدیر تیمارستان .

در صورت وجود چنین اشخاصی در صورت تقصیر صغیر یا دیوانه میتوان این اشخاص را در مقابل خسارت دیده مسئول دانست .

قانون در بعضی موارد اشخاص نامبرده را مسئول عمل کسانی که تحت حفاظت آنها هستند قرار داده بدون اینکه احتیاج به ثبوت تقصیری از ناحیه آنها باشد در غیر این موارد قانونی نمیتوان حافظ طفل و دیوانه را مسئول قرار داد مگر تقصیری از ناحیه او بثبوت سیده باشد (این موضوع بتفصیل بعداً خواهد آمد)

دکتر امین فر

با مطالعات پزشکی و بیماریهای روانی در قرن اخیر تقسیماتی علمای فن برای دیوانگی قائل شده اند بطوریکه بعضی از اقسام آن بکلی سلب اراده و اختیار از بیمار مینمایند و بعضی اراده و اختیار او را فقط ضعیف میسازند دادرس کیفری در مقابل اقسام اول از جنون ناچار تصمیم بر عدم مسئولیت و در اقسام دوم تصمیم بر تخفیف مسئولیت میگردد و در موقع تردید در وجود مسئولیت بیشتر بطرف تخفیف و یا فقدان آن تمایل میکند ولی اتخاذ تصمیم برای دادرس مدنی در مقابل شخصی که خسارتی بدون دلیل متوجه او شده مشکلتر است مخصوصاً در موردی که خواننده دارای توانایی مالی و خواهان شخص بیچیزی باشد در بیشتر بطرف قبول مسئولیت مدنی میگراید اشخاصی را که در نتیجه زندگی افراطی و بی قاعده دچار بیماریهای دیوانگی شده اند و بعداً مرتکب اعمالی شده و خساراتی بدیگران وارد ساخته اند رویه قضائی فرانسه از لحاظ مدنی مسئول تشخیص داده است چنانچه شخصی که در نتیجه استعمال مسکرات و یا مواد مسموم کننده دیگر از حال طبیعی خارج و خساراتی بدیگران وارد سازد مسئول مدنی شناخته شده مگر موقعی که شخص نمیدانسته است عمل این مواد منجر بسلب اراده و اختیار از او میشود و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## حضانة

### در دامان مرور زمان

قانون نامبرده تشریح و تبیین و تکلیف طرفین دعوی و دادرسان را روشن ساخته است .

قبل از وضع قوانینی که مرور زمان را سر و صورتی دهد در آن تاریخی که کارهای قضائی در محاضر شرعیه میگذشت مرور زمان بلحاظ اینکه اکثر فقها قائل نبودند زنگ و روئی نداشته و یا آنکه مدتی هم برای آب

از جمله تحولات و تغییراتی که در قانون آئین مدنی جدید مورد توجه و شایسته نظر است موضوع مرور زمان و طبقه بندی و تقسیماتی است که در نوع دعاوی و سنخ کارها بملاحظه مقتضیات و کیفیات مشابه و نظیر هم پیش بینی شده و همچنین مبدا و موارد قطع مرور زمان و سایر خصوصیات که موضوع مباحثات طولانی بوده و در